

فصلنامه علمی برنامه‌ریزی منطقه‌ای

سال ۱۰، شماره پیاپی ۳۹، پاییز ۱۳۹۹

شاپای چاپی: ۶۷۳۵-۲۲۵۱ - شاپای الکترونیکی: ۷۰۵۱-۲۴۲۳

<http://jzpm.miau.ac.ir>

مقاله پژوهشی

تحلیل عوامل مؤثر در تغییر سبک زندگی مسکونی در قلمرو جغرافیای رفتاری و ساختاری کلان‌شهر تبریز

شهریور روستایی: دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
مینا فرخی صومعه: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
رسول قربانی: استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۷

صص ۹۵-۱۰۸

دریافت: ۱۳۹۸/۲/۳۰

چکیده

سبک زندگی مسکونی خانوارها در گذار از مرحله سنتی به مدرن دگرگون شده و بشر سبک‌های مسکونی جدیدی را تجربه می‌کند. امروزه مساکن شهری در معرض بزرگ‌ترین تغییرات سبک زندگی قرار گرفته‌اند. تغییراتی که فرصت جامعه‌پذیری، انتخاب، پایداری زیستی-محیطی و انطباق با ویژگی‌های کالبدی را فراهم نمی‌سازد. تغییر در سبک زندگی مسکونی در ساختار کلان‌شهر تبریز منجر به دگرگونی در الگوی سکونت شهری شده و باعث به وجود آمدن مسکنی متفاوت از گذشته شده و مسکن تبدیل به کالایی برای نمود تمایز طبقاتی بین خانوارها و الگویی کاملاً سودمحور و نفع طلبانه به خود گرفته است. پژوهش حاضر درصدد است با رویکرد جغرافیای رفتاری و ساختاری به شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر در تغییر سبک زندگی مسکونی در کلان‌شهر تبریز بپردازد. نوع تحقیق کاربردی، روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و در روش گردآوری اطلاعات از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی با ابزار پرسشنامه استفاده شده است. تعداد پرسشنامه یا حجم نمونه برابر ۳۸۴ خانوار بوده است. در پژوهش حاضر، در تعیین مؤلفه‌های سبک زندگی مسکونی از تحلیل عاملی و نرم‌افزار SPSS ۲۲ استفاده شده است. روایی پرسشنامه بر اساس اعتبار صوری و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۹ به دست آمده است. تجزیه و تحلیل در این پژوهش مبتنی بر روش الگویابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار لیزرل بوده است. نتایج تحقیق نشان داد که، عامل اقتصادی با حدود ۰/۸۳ بیشترین اثرگذاری را در ساکنین به عنوان عامل فعال تصمیم‌گیرنده برای سبک زندگی مسکونی و تغییر آن دارد. همچنین در ارزیابی نیکویی برآزش مدل عوامل رفاهی، محیطی، اقتصادی و اجتماعی با تغییر در سبک زندگی مسکونی رابطه مثبت و معنادار دارد. در نهایت، شکل‌گیری جامعه مصرفی، ترجیح اصل سود و ایجاد جامعه مبادله‌ای به همراه فضاهای طبیعی مصنوع عمده‌ترین اثرات تغییر سبک زندگی مسکونی است.

واژه‌های کلیدی: سبک زندگی مسکونی، جغرافیای رفتاری، جغرافیای ساختاری، مدل معادلات ساختاری، کلان‌شهر تبریز.

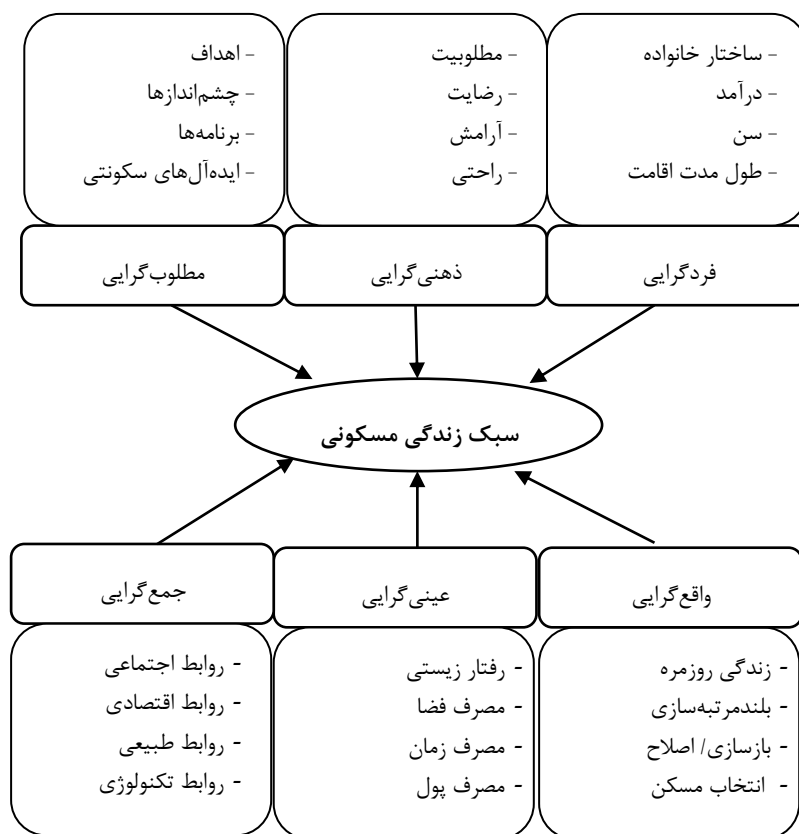
مقدمه:

با رشد شتابان شهرها در چند دهه گذشته، ساختار سنتی شهرها به شدت تحت تأثیر دنیای مدرن و خارج از فضای سنتی قرار گرفته است. بررسی تجربه‌های این دو نشان می‌دهد که سبک زندگی مسکونی سنتی با تغییر نقش و جایگاه در ساختار و فضاهای شهرها دستخوش دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و کالبدی شده است. مسئله اساسی مورد توجه، تغییر سبک زندگی مسکونی از خانه‌های شخصی و ویلایی به آپارتمان‌نشینی، از فضاهای حیاط دار به فضاهایی بدون حیاط، از مساحت‌های بزرگ به مترهای کوچک، از فضاهایی با روابط همسایگی و احساس تعلق به محیط‌هایی بدون روابط و هویت اجتماعی و همسایگی و ... است. در واقع سبک زندگی نشان‌دهنده جلوه‌ی بیرونی برداشت از خود فرد در محیط زندگی و انتخاب‌های او در زندگی روزمره است. سبک زندگی فرد با تجارب گذشته، خصوصیات و ویژگی‌های ذاتی و موقعیت فعلی وی شکل می‌گیرد و بر تمام وجوه رفتار مصرف‌وی تأثیر می‌گذارد (Dutta-Bergman & Wells, 2000). با توجه به تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژیکی، تغییر در الگوی مسکن همانند دیگر پدیده‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است، اما آنچه این تغییر را به مسئله تبدیل می‌کند نوع، میزان و روند تغییرات است (Yaghoubi et al, 2016: 180). امروزه مسکن شهری در معرض بزرگ‌ترین تغییرات سبک زندگی قرار گرفته‌اند. تغییراتی که فرصت جامعه‌پذیری، انتخاب، پایداری زیستی - محیطی و انطباق با ویژگی‌های کالبدی را فراهم نمی‌سازد. توسعه مسکن با هدف سکونت به دنبال تغییر در نیازها و ارزش‌ها، سبک زندگی مسکونی ساکنین را تغییر داده و انتخاب و اولویت‌های جدیدی را به وجود آورده است. تغییر در سبک زندگی مسکونی در ساختار کلان‌شهر تبریز منجر به دگرگونی در الگوی سکونت شهری شده و باعث به وجود آمدن مسکنی متفاوت از گذشته شده است؛ تا جایی که خانوارها عدالت محوری، برخورداری از فضاهای سبز، مشارکت‌پذیری یا جمع‌گرایی و طبیعت‌گرایی را در اولویت انتخابی خود در زمینه مسکن قرار نمی‌دهند و مسکن تبدیل به خوابگاهی برای ساکنین و کالایی برای نمود تمایز طبقاتی بین خانوارها شده و الگویی کاملاً سودمحور و نفع طلبانه به خود گرفته است.

بی‌تردید در فرایند تغییر سبک زندگی، عوامل تأثیرگذار در ساکنین و مناطق شهری متفاوت است؛ چراکه هم سبک‌های زندگی مختلفی در زمینه مسکن وجود دارند و هم طیفی گسترده از افراد و خانوارها وجود دارند که دلایل متفاوتی برای انتخاب سبک زندگی دارند، برخی افراد فعال زندگی می‌کنند و برخی دیگر سبک‌های زندگی مشابهی در انتخاب مسکن دارند یا برخی سبک‌های زندگی برون و برخی درون‌شهری دارند و بعضی افراد سبک‌های زندگی سنتی دارند درحالی‌که برخی دیگر سبک زندگی مدرن دارند. درک سبک زندگی ما را قادر به تصحیح انتخاب‌ها به‌ویژه انتخاب مسکن با ویژگی‌هایی می‌سازد که بیان می‌کند ما چطور شخصی بوده و چه چیزی باعث انتخاب این نوع از مسکن و سبک زندگی مسکونی شده است. سبک زندگی یک خانواده ممکن است بیش‌ترین تأثیر را روی انتخاب مسکن آن خانواده داشته باشد (Lee et al, ۲۰۰۷; Beamish et al, 2001).

با توجه به رابطه عمیق بین مسکن و سبک زندگی، ما سعی کرده‌ایم مفهوم سبک زندگی مسکونی را به‌ویژه از دیدگاه سبک زندگی در قلمرو جغرافیای رفتاری و ساختاری بیان کنیم. در سال‌های اخیر، تنوع در ارزش‌های احساسی افراد، همچنین افزایش سبک‌های زندگی، ترجیح، تقاضا، ادراک خانوارها و ارزیابی از محیط مسکونی را به شدت متنوع کرده است (Ge & Hokao, 2006: 165) و تحقیقات حاضر در خصوص سبک زندگی مسکونی بر آن است تا تبیین کند چه عواملی در تغییر سبک زندگی مسکونی خانوارهای کلان‌شهر تبریز مؤثر است؟ و از بین عوامل مؤثر در تغییر سبک زندگی مسکونی کدام عامل نقش مهم‌تری دارد؟ در این راستا، شناسایی عوامل مؤثر در تغییر سبک زندگی مسکونی ضرورت دارد. در این پژوهش، سبک زندگی مسکونی روش و نوع زندگی مسکونی با مصرف زمان، فضا و پول در سکونتگاه‌ها تعریف شده است؛ به عبارت دیگر، سبک زندگی مسکونی تمامی فاکتورهای سبک زندگی را که مربوط به سکونتگاه‌ها می‌شود در بر می‌گیرد و ساختار و اجزای سبک زندگی مسکونی به‌صورت جامع و کامل با تعدادی فاکتورهای مؤثر در نظر گرفته شده است. در شکل ۱ مدل مفهومی سبک زندگی مسکونی در قلمرو دوبهدویی جغرافیای رفتاری و ساختاری نشان داده شده است:

در مدل مفهومی سبک زندگی مسکونی، فردگرایی در ارتباط با انگیزه‌های فردی خانوارها که به وسیله ساختار خانوار، شرایط زندگی، درآمد، سن و دیگر ویژگی‌های فردی شناخته می‌شود مطرح شده است. جمع‌گرایی پدیده‌ای که تابعی از ویژگی‌های حضور در اجتماع، اقتصاد، طبیعت و محیط تکنولوژی است در نظر گرفته شده‌اند. ذهنی‌گرایی شامل فاکتورهایی مانند فلسفه زندگی، احساس ارزشی مسکن، زیبایی‌شناختی و دیدگاه جهانی یا به عبارت دیگر مطلوبیت، رضایت، احساس آرامش و راحتی مطرح شده است. عینی‌گرایی به طور مستقیم مربوط به رفتار زندگی از طریق مصرف زمان، فضا و پول یا ترجیح برای خرید و پس‌انداز در نظر گرفته شده است. واقع‌گرایی همان رفتار روزمره زندگی مسکونی مثل بازسازی و اصلاح مسکن و انتخاب مسکن در نظر گرفته شده است. مطلوب‌گرایی نیز شامل ایده‌آل‌ها، برنامه‌ها، اهداف و چشم‌اندازها در انتخاب مسکن آتی است. با توجه به موارد مطرح شده در تبیین عوامل مؤثر در تغییر سبک زندگی مسکونی همواره خانوارها در ترجیح و انتخاب مسکن مشکلات اجتماعی و اقتصادی زیادی دارند که از بسیاری جهات حائز اهمیت و قابل بررسی است.



شکل ۱- مدل مفهومی سبک زندگی مسکونی - (منبع: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۸).

پیشینه و مبانی نظری تحقیق:

با توجه به نقش انسان در جغرافیا به واسطه رفتاری که در محیط از خود بروز می‌دهد و آن را برای بهره‌گیری هر چه بهتر به نفع خود تغییر می‌دهد، رفتار انسان و نقش آن در محیط با قلمرو جغرافیای رفتاری می‌تواند بیانگر سبک زندگی مسکونی ساکنان شهری نیز باشد. لویس ورث شهری شدن را به مثابه یک نوع سبک زندگی می‌داند (Mohammadi et al, 1979: 48) و بررسی سبک‌های زندگی مسکونی متمایز خانوارها و سعی در توصیف و مقایسه‌ی آن‌ها از دغدغه‌های مهم برنامه‌ریزان شهری در دهه‌های اخیر می‌تواند باشد و با توجه به اینکه، تحقیقات اندکی در رابطه با این موضوع در سراسر جوامع جهان صورت گرفته است و در ایران نیز بیشتر تحقیقات صورت گرفته در رابطه با سبک زندگی است بررسی این مسئله حائز اهمیت می‌باشد.

در زمینه سبک زندگی و عوامل مؤثر بر آن اخوندی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد در سال ۱۳۹۱ تحت عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر سبک زندگی (مطالعه موردی زنان ۱۸-۶۵ سال شهر تهران)» به بررسی سبک زندگی و عوامل مؤثر بر آن در قالب هفت بعد پرداخته است. جی و هوکاو^۱ (۲۰۰۶) در پژوهشی بر روی سبک زندگی مسکونی در شهرهای ژاپن به بررسی سبک زندگی مسکونی از منظر انتخاب، رضایت و اولویت‌ها پرداخته است و نتایج نشان از آن دارد که رابطه معناداری بین ترجیح و انتخاب و رضایت از مسکن وجود دارد. از نظر بیمیش^۲ و همکاران (۲۰۰۱)، سبک زندگی بیش‌ترین تأثیر را روی انتخاب مسکن خانواده دارد. سولومن^۳ نیز در مقاله‌ای نشان داد که سبک زندگی به عنوان الگوی مصرفی منعکس‌کننده‌ی انتخاب‌های فرد در مورد نحوه مصرف زمان و درآمد است (Solomon, 2006 & 2011). بادیار و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش رسانه‌ها در تحولات سبک زندگی روستاییان (مورد مطالعه: شهرستان زنجان)» نشان داد که بین محیط رسانه‌ای و سبک زندگی رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد. بهفروز (۱۳۷۰) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی‌های ادراک محیطی و رفتار در قلمرو مطالعات جغرافیای رفتاری و جغرافیای انسانی معاصر» به خصوصیات و گرایش‌های

¹ Ge & Hokao.

² Beamish.

³ Solomon.

جغرافیای رفتاری پرداخته است. او در پژوهش خود ادراک و رفتار مردم در محیط‌های شهری و جنبه‌های کاربردی این بررسی‌ها را نیز مطرح کرده است.

یکی از قلمروهای فکری در جغرافیای انسانی، مطالعه نظری و عملی، جغرافیای رفتاری (*Behavioral Geography*) است (Shatarian et al, 2012: 212). جغرافیای رفتاری ارتباط تنگاتنگی با روانشناسی محیطی و بنیان‌های فلسفی چون مکتب رفتارگرایی دارد. رفتارگرایی نوعی نظریه روان‌شناختی است که درباره طبیعت آدمی هم نظر خاص دارد و جامعه، ارزش‌ها، زندگی خوب و ماهیت واقعیت را مورد بحث قرار می‌دهد (Hamzeh, 2009: 72). مسکن که ابتدایی‌ترین محیط ساخته شده برای رفاه انسان و کوچک‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده سکونتگاه‌ها است (Aragones, 2002; Junaidi et al, 2012; Hekmatnia & Mousavi, 2013); از جمله کالاهایی است که تصمیم در مورد انتخاب آن از عوامل و محرک‌های مصرف به شمار می‌رود (Jansen et al, 2011: 606). مسکن به منزله جایی که فعالیت‌های انسان‌ها و روابط اجتماعی‌شان از آنجا شروع می‌شود و تجربیات مهمی را به دست می‌آورند؛ بازتابی از ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی و عقاید اجتماعی و فرهنگی با توجه به محیط ساخته شده می‌باشد (Lawrence, 1989; Al-Homoud, 2009). به همین دلیل، نقش اساسی در بین خانوارها دارد و از اساسی‌ترین نیازهای خانوادها است (Femi & Hayat Kha, 2014). بررسی‌های مربوط به رفتار و نگرش مردم در محیط‌های شهری نیز نشان‌دهنده آن است که تمامی شهرهای دنیا، همواره با حاکمیت نوعی از نگرش سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... روبه‌رو بوده‌اند (Shatarian et al, 2012: 212). با توجه به نقش حیاتی مسکن و سکونتگاه‌ها در شهرها برخی پژوهشگران سبک زندگی را وارد حیطه مسکونی کرده‌اند و چنین فرض می‌کنند که سبک زندگی در سکونتگاه‌ها در جهت کیفیت مسکن و رضایت از مسکن مهم می‌باشد و در مطالعات خود در بررسی روابط بین سبک زندگی و رفتار خانوارها از مدل AIO (فعالیت‌ها، علایق و عقاید)، استفاده کرده‌اند. عبارت (ای آی او) سبک زندگی مصرف‌کنندگان را با تعیین فعالیت‌ها، علایق و عقاید آن‌ها توصیف می‌کند (Jayasree, 2011). مفهوم سبک زندگی بر اساس مدل AIO ابتدا توسط لازر وارد مطالعات گردید (Plummer, 19۷۴). در این مدل، فرایند کنش اجتماعی افراد نسبت به موقعیت‌شان یعنی شرایط ساختی کنش اجتماعی بر مبنای علایق، فعالیت‌ها و باورها صورت می‌گیرد. بر مبنای نظریه‌ها و تئوری‌های دانشمندان و محققان عواملی بر تغییر سبک زندگی افراد در سکونتگاه‌ها تأثیر می‌گذارند که شناسایی این عوامل و بررسی رابطه بین این عوامل و تأثیر هر کدام از عامل‌ها از اهداف اصلی پژوهش حاضر است.

مواد و روش تحقیق:

تحقیق حاضر از نوع کاربردی و به روش توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری در این پژوهش را ساکنان سکونتگاه‌های مناطق ده-گانه کلان‌شهر تبریز تشکیل می‌دهند. حجم نمونه پرسشنامه طبق فرمول کوکران برابر با ۳۸۴ نمونه می‌باشد. در این پژوهش روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به کار گرفته شده؛ و به منظور تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، از روش آمار استنباطی استفاده شده است. شاخص‌های تحقیق با توجه به دارا بودن ارتباط با موضوع تحقیق، مطابقت با اهداف سؤالات تحقیق، قابلیت کمی سازی و عملیاتی شدن، استقلال شاخص‌ها و عدم همپوشانی آن‌ها و قابلیت دسترسی آسان به جدیدترین اطلاعات برای تمامی مناطق مورد مطالعه انتخاب شدند (Dale & Beyeler, 2001; Bell & Morse, 2012). مؤلفه‌های سبک زندگی مسکونی: روابط بین متغیرها با استفاده از روش‌های آماری تحلیل عاملی، آلفای کرونباخ در نرم‌افزار SPSS ۲۳ مورد تحلیل قرار گرفته است. ضریب آلفای مؤلفه‌های اصلی از طریق ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به دست آمد که قابل قبول است و نشان می‌دهد که سؤالات از نظر درونی با آزمون همبستگی معناداری دارند. بر اساس مبانی نظری و مدل مفهومی تحقیق، در رابطه با عوامل مؤثر در تغییر سبک زندگی مسکونی در قلمرو جغرافیای رفتاری و ساختاری، از ۶ قلمرو سبک زندگی مسکونی در قالب تحلیل عاملی با نرم‌افزار آماری SPSS ۲۳، ۲۱ گویه با چهار متغیر (رفاهی، محیطی، اقتصادی و اجتماعی) پنهان (مکنون)، به دست آمده و جدول شماره ۱ خروجی نرم‌افزار SPSS را نشان می‌دهد.

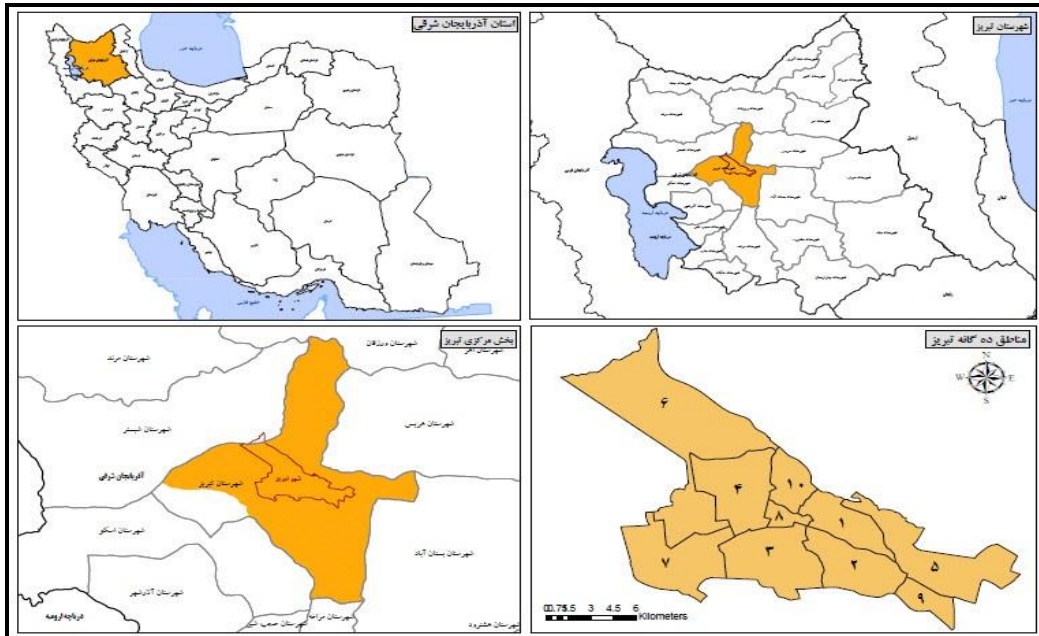
جدول ۱- مقدار آلفای کرونباخ شاخص‌های ابعاد مؤثر در سبک زندگی

شاخص	آلفای کرونباخ در صورت حذف آیتم
مؤلفه اول	۰/۸۵۸
مؤلفه دوم	۰/۷۷۲
مؤلفه سوم	۰/۷۴۱
مؤلفه چهارم	۰/۶۹۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸.

محدوده مورد مطالعه:

منطقه کلان‌شهری تبریز مرکز استان آذربایجان شرقی با وسعتی معادل ۲۷۴۸/۲۵۰۳۹۲ کیلومترمربع در طول جغرافیایی ۴۵ درجه و ۴۵ دقیقه الی ۴۶ درجه و ۳۷ دقیقه ۳۰ ثانیه شرقی و در عرض جغرافیایی ۳۷ درجه و ۳۷ دقیقه و ۳۰ ثانیه الی ۳۸ درجه و ۲۲ دقیقه شمالی قرار دارد (شکل ۱). بر اساس نتایج آخرین سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵، کلان‌شهر تبریز با جمعیتی بالغ بر ۱۵۵۹۵۶۹ نفر ششمین شهر پرجمعیت ایران بوده که تراکم خالص مسکونی در شهر تبریز برابر با ۳۵۵ نفر در هکتار و تراکم ناخالص مسکونی ۶۷ نفر در هکتار می‌باشد. بر پایه آخرین تقسیمات اداری شهر تبریز دارای ده منطقه می‌باشد (East Azarbaijan Planning and Budget Organization, ۲۰۱۶).



شکل ۱- موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه - (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸).

بحث و ارائه یافته‌ها:

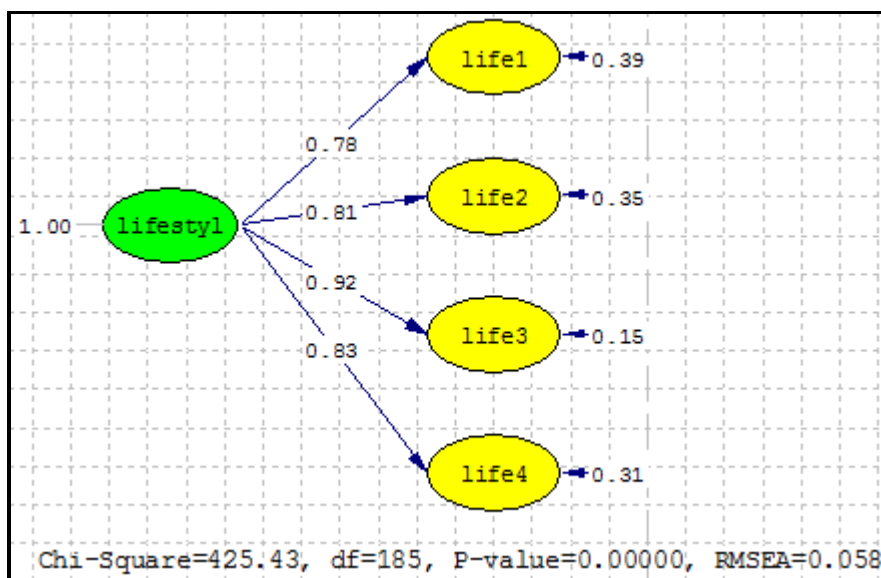
در این پژوهش، از شاخص‌های آمار توصیفی همچون شاخص‌های فراوانی و درصد، گرایش مرکزی و پراکندگی (جدول ۲) و از بین روش‌های آمار استنباطی از مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) استفاده شده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز نرم‌افزار SPSS ۲۲ به کار گرفته شده است. برای تحلیل عوامل مؤثر در تغییر سبک زندگی مسکونی ساکنین شهری، از تحلیل مسیر و الگو یابی معادلات ساختاری استفاده شده است. در پژوهش حاضر، برای آزمون نیکویی برازش از نرم‌افزار لیزرل تحلیل مسیر صورت گرفت. الگوسازی معادلات ساختاری تکنیکی برای تحلیل داده‌ها است که به منظور ارزیابی رابطه بین دو نوع از متغیرها برخلاف تحلیل مسیر طراحی شده و به مدل‌های غیر بازگشتی مرسوم است: الف) متغیرهای آشکار (متغیرهایی که مستقیماً اندازه‌گیری شده و متغیرهای مشاهده‌شده. ب) متغیرهای مکنون یا پنهان (متغیرهایی که به عنوان سازه‌ی نظری) مطرح هستند (Abarshi & Hosseini, 2012: 10). پژوهشگران معمولاً به منظور ارزیابی برازش از شاخص‌های نیکویی برازش استفاده می‌کنند. رایج‌ترین این شاخص‌ها، شاخص احتمالی آماره‌ی مجذور خی است که اهمیت اختلاف بین مدل برازش شده و ماتریس کوواریانس ناشی از نمونه‌ی مشاهده شده را بیان می‌دارد (Bentler & Bonett, 1980: 15; McDonald & Ringo, 2002: 17). پس از اجرای برنامه، مدل برازش شده و روابط عنوان شده در فرضیه تحقیق نمایان شد (شکل ۳).

پس از کدگذاری و ورود داده‌ها به سیستم، در محیط لیزرل برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. با توجه به شکل ۲ و اطلاعات جدول ۳ تأثیر مستقیم عامل رفاهی در تغییر سبک زندگی مسکونی ۰/۷۸، عامل محیطی ۰/۸۱، عامل اقتصادی ۰/۹۲ و عامل اجتماعی در تغییر سبک زندگی مسکونی ۰/۸۳ است. با توجه به اطلاعات جدول ۳ بالاترین تأثیر را در بین عوامل مؤثر در تغییر سبک زندگی مسکونی معیار اقتصادی دارا است.

جدول ۲- خلاصه شاخص‌های آماری مربوط به مؤلفه‌های سبک زندگی مسکونی

متغیر	مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار	متغیر	مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار
رفاهی	تمیزی	۱/۹۴	۱/۱۵	اقتصادی	قیمت	۲/۹۷	۱/۱۴
	راحتی و آسایش	۱/۹۰	۰/۹۹		افزایش طبقات	۳/۰۹	۱/۰۲
	سلامتی	۱/۹۸	۱/۰۲		سودآوری	۲/۶۹	۱/۲۳
	امنیت	۱/۵۸	۰/۷۸		فرصت شغلی	۲/۴۸	۱/۰۲
محیطی	رفاه	۱/۹۲	۰/۹۸	اجتماعی	روابط اجتماعی	۲/۹۶	۱/۲۵
	ایمنی از حوادث	۲/۴۴	۰/۹۹		جامعه‌پذیری	۳/۱۰	۱/۰۵
	نزدیکی به طبیعت	۲/۰۹	۰/۹۸		جلسات حمایتی	۲/۱۶	۱/۱۰
	چشم‌انداز زیبا	۲/۳۶	۰/۹۹		عقاید دوستان	۳/۸۲	۱/۱۶
	امکانات تفریحی	۲/۶۳	۱/۱۱	رفتارهای جمعی	۳/۳۶	۱/۲۶	
	چیدمان مناسب	۲/۵۶	۱/۱۵				
	تجهیزات سیستمی	۲/۳۳	۱/۰۱				
	دوری از آلودگی	۲/۳۳	۰/۹۸				

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸).



شکل ۲- دیاگرام تحلیل مسیر مؤثر بر تغییر سبک زندگی مسکونی - (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸).

جدول ۳- نتایج تحلیل مسیر مدل ساختاری

تأثیرات مستقیم	سبک زندگی مسکونی	میزان اثر	مقدار <i>t</i>	سطح معناداری
رفاهی	سبک زندگی مسکونی	۰/۷۸	۱۲/۹۱	۰,۰۰۰
محیطی		۰/۸۱	۱۲/۳۴	۰,۰۰۰
اقتصادی		۰/۹۲	۱۳/۱۲	۰,۰۰۰
اجتماعی		۰/۸۳	۸/۲۶	۰,۰۰۰

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸).

به تغییر سبک نمایند، پرداخته شده است. در این خصوص مقادیر تی حاصل از خروجی نرم‌افزار لیزرل در جدول (۴) و شکل (۳) اولویت اثرگذاری متغیرها را نشان می‌دهد و مقدار *t* برای هر کدام از متغیرهای آشکار تعریف شده در این جدول آورده شده است. با توجه به نتایج حاصل، سودآوری که جزو مؤلفه‌های اقتصادی در سبک زندگی مسکونی است دارای بیشترین مقدار آماره تی است که اهمیت آن را در اولویت‌بندی نشان می‌دهد؛ بنابراین، فرضیه اول تحقیق تأیید می‌گردد و سایر مقادیر در جدول شماره ۴ نشان داده شده‌اند.

جدول ۴- اولویت اثرگذاری متغیرها

اولویت	مقادیر	متغیر پنهان	متغیر آشکار	مقاصد
-	----	تمیزی	در اصلاح مدل به خاطر ناهمگونی حذف شد	
۳	۱۵,۲۰	رفاهی	راحتی و آسایش	تأیید (بالتر از ۱,۹۶)
۲	۱۵,۲۶		سلامتی	تأیید (بالتر از ۱,۹۶)
۶	۱۲,۹۳		امنیت	تأیید (بالتر از ۱,۹۶)
۵	۱۳,۸۸		رفاه	تأیید (بالتر از ۱,۹۶)
۸	۱۱,۶۵		ایمنی از حوادث	تأیید (بالتر از ۱,۹۶)
-	----	نزدیکی به طبیعت	در اصلاح مدل به خاطر ناهمگونی حذف شد	
۴	۱۴,۰۳	محیطی	چشم‌انداز زیبا	تأیید (بالتر از ۱,۹۶)
۷	۱۲,۶۱		امکانات تفریحی	تأیید (بالتر از ۱,۹۶)
۹	۱۰,۸۵		چیدمان مناسب	تأیید (بالتر از ۱,۹۶)
۱۱	۹,۴۰		تجهیزات سیستمی	تأیید (بالتر از ۱,۹۶)
۱۷	۴,۷۴		دوری از آلودگی	تأیید (بالتر از ۱,۹۶)
-	----	قیمت	در اصلاح مدل به خاطر ناهمگونی حذف شد	
۱۲	۸,۵۳	اقتصادی	افزایش طبقات	تأیید (بالتر از ۱,۹۶)
۱	۱۵,۳۱		سودآوری	تأیید (بالتر از ۱,۹۶)
۱۰	۹,۵۸		فرصت شغلی	تأیید (بالتر از ۱,۹۶)
-	----	روابط اجتماعی	در اصلاح مدل به خاطر ناهمگونی حذف شد	
۱۳	۷,۷۵	اجتماعی	جامعه‌پذیری	تأیید (بالتر از ۱,۹۶)
۱۶	۶,۷۴		جلسات حمایتی	تأیید (بالتر از ۱,۹۶)
۱۴	۷,۶۲		عقاید دوستان	تأیید (بالتر از ۱,۹۶)
۱۵	۷,۲۳		رفتارهای جمعی	تأیید (بالتر از ۱,۹۶)

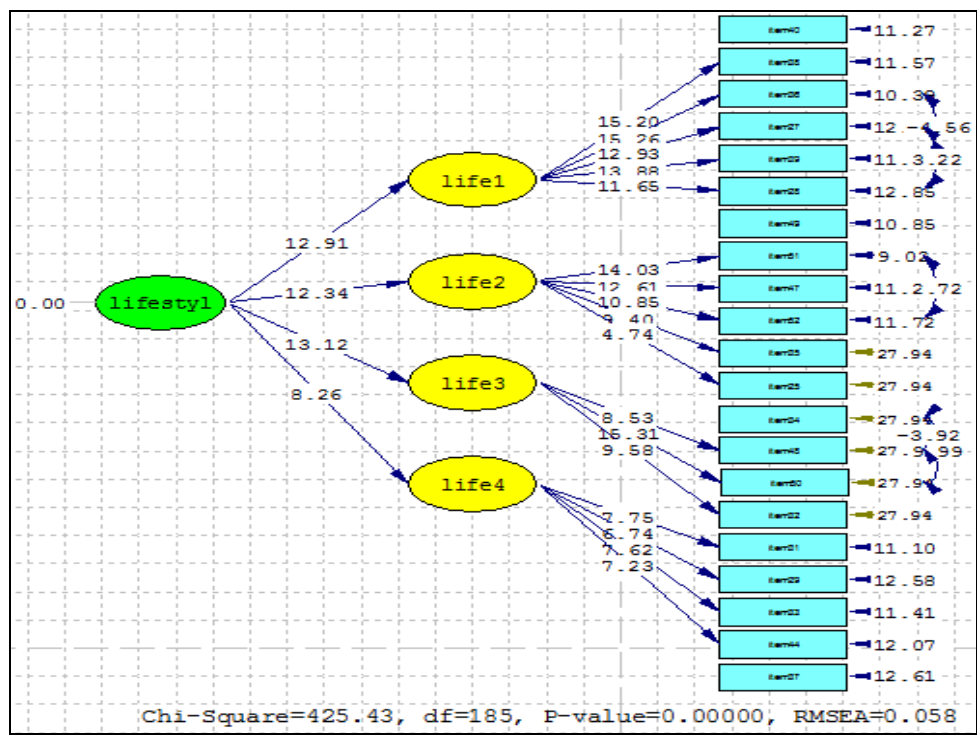
(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸).

نهایتاً، نتایج بررسی و تحلیل ماتریس کوواریانس متغیرها در جدول شماره ۵ نشان داده شده است. با توجه به نتایج حاصل شده، تخمین‌های مربوط به مسیر اقتصادی و رفاهی نشان می‌دهد که مقدار آن برابر ۰/۵۶ است و در مسیر تخمین‌های مربوط به سبک زندگی و عامل اقتصادی مقدار آن ۰/۸۰ می‌باشد؛ سایر مقادیر نیز در جدول شماره ۵ آورده شده است. این بدان معنی است که همبستگی بالایی بین متغیرها وجود دارد؛ یعنی بین عوامل مؤثر بر سبک زندگی ارتباط معنی‌دار وجود دارد. سپس، برای بررسی میزان برازندگی آماری مدل ساختاری پژوهش با داده‌های نمونه تحقیق، شاخص‌های برازندگی مدل مورد بررسی قرار گرفته است. جدول ۶ شاخص‌های نیکویی برازش مدل را نشان می‌دهد.

جدول ۵- ماتریس کوواریانس متغیرها

متغیرهای سبک زندگی	رفاهی	محیطی	اقتصادی	اجتماعی	سبک زندگی مسکونی
رفاهی	۰,۸۰	----	----	----	----
محیطی	۰,۴۱	۰,۵۲	----	----	----
اقتصادی	۰,۵۶	۰,۴۶	۰,۷۵	----	----
اجتماعی	۰,۳۶	۰,۳۰	۰,۴۱	۰,۳۸	----
سبک زندگی مسکونی	۰,۷۰	۰,۵۸	۰,۸۰	۰,۵۱	۱,۰۰

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸).



شکل ۱- مقادیر تی متغیرهای سبک زندگی مسکونی - (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶).

نتایج جدول ۶ نشان‌دهنده برازش خوب عوامل در نظر گرفته شده برای پژوهش است. مقدار شاخص کای اسکور برابر با ۴۲۵/۴۳ است که با توجه به اطلاعات جدول ۶ سطح معناداری آن با درجه آزادی ۱۸۵ پایین تر از ۰/۰۱ است ($P > 0.01$). معیار ریشه میانگین مجذور باقی مانده تنها در ارتباط با واریانس و کوواریانس‌ها قابل تغییر است. این معیار در این پژوهش برابر با ۰/۶ است که نشان‌دهنده خوبی برازش است. معیارهای شاخص برازندگی و شاخص برازندگی تعدیل یافته نیز خوب بوده و نشان‌دهنده نیکویی برازش مدل تحقیق است. هر دوی این معیارها بین صفر و یک هستند. برخلاف معیار *RMR* هر چه این معیارها به عدد یک نزدیک‌تر باشند، نیکویی برازش مدل با داده‌های مشاهده شده بیشتر است. در تحقیق حاضر، شاخص *GFI* برابر با ۰/۹۰ و شاخص *AGFI* نیز به ۰/۹۰ نزدیک می‌باشد که نشان‌دهنده نیکویی برازش مدل تحقیق است. با توجه به مقدار متوسط ریشه میانگین توان دوم (*RMSEA*)، خطای تقریبی که برابر با ۰/۵ است برازندگی مدل خوب است بنابراین، مدل این تحقیق از برازش خوبی برخوردار است. همان‌طور که از مدل برازش شده مشخص است، بارهای عاملی استاندارد شده، حاکی از آن است که ابزار اندازه‌گیری از اعتبار سازه‌ای بسیار مناسبی برخوردار است. همچنین نتایج حاصل از ضرایب معنی‌داری و میزان کای اسکور نسبت به درجه آزادی که ۲/۲۹ است از وضعیتی بسیار خوب برای مدل حکایت دارد. روابط بین متغیرهای پنهان با هم و ارتباط متغیرهای آشکار دارای همبستگی قوی است؛ بنابراین فرضیه دوم تحقیق نیز تأیید می‌گردد.

جدول ۶- بررسی شاخص‌های مناسب بودن مدل

نتیجه‌گیری	مقادیر استاندارد*	وضعیت مدل	شاخص‌ها
برازش خوب	هر چقدر به صفر نزدیک باشد نشان برازش کامل است	۴۲۵/۴۳	آماره کای اسکوئر <i>Minimum Fit Function Chisquare</i>
قانع‌کننده	نبود خطا در انتهای متن خروجی نرم‌افزار	۲۴۰/۴۳	تخمین پارامتر غیر مرکزی <i>Estimated Non-Centrality Parameter (NCP)</i>
قابل قبول بودن مدل برازش	مقدار آماره کمتر از ۰/۰۸ برازش قابل قبول	۰/۰۵	ریشه میانگین توان دوم خطای تقریب <i>Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)</i>
سازگاری	مقادیر کوچک بیانگر برازش بهتر	۴۶۲/۰۰	معیار اطلاعات <i>(AIC) Akaike's Information Criterion</i>
			نسخه سازگار با <i>Consistent Version of AIC (CAIC)</i>
برازش مدل عالی	کمتر از ۰/۱	۰/۰۶	ریشه میانگین مجذور باقی‌مانده <i>Root Mean Square Residual (RMR)</i>
برازش مدل عالی	$\geq 0/9$	۰/۹۰	شاخص برازندگی <i>Goodness of Fit Index (GFI)</i>
برازش قابل قبول	$\geq 0/9$	۰/۸۸	شاخص برازندگی تعدیل‌یافته <i>Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)</i>
برازش مناسب	بیشتر از ۰/۵	۰/۷۲	شاخص برازندگی امساک (صرفه‌جویی) <i>Parsimony Goodness of Fit Index (PGFI)</i>
برازش مدل عالی	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۵	شاخص هنجار شده برازندگی <i>Normed Fit Index (NFI)</i>
برازش مدل عالی	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۷	شاخص برازش غیر نرم <i>Non-Normed Fit Index (NNFI)</i>
برازش مدل عالی	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۷	شاخص برازش مقایسه‌ای <i>Comparative Fit Index (CFI)</i>
برازش مدل عالی	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۴	شاخص متناسب نسبی <i>Relative Fit Index (RFI)</i>
برازش قابل قبول	بین ۱ تا ۳ بهترین نسبت می‌باشد	۲/۲۹	نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی <i>نسبت df به Chi square</i>

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها:

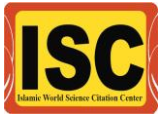
با تنوع در احساس‌های ارزشی اشخاص، ایجاد دیدگاه‌های مدرن و پست‌مدرن، شهری شدن و مصرف‌گرایی شاهد تغییر رفتارهای زندگی روزمره افراد (فعالیت، علاقه‌مندی، باور، ترجیح مردم، تقاضا، انتخاب‌های مسکونی و سکونت) به ویژه در محیط‌های شهری هستیم که بیشتر از قبل متنوع و تغییر یافته است؛ در واقع، این امر را می‌توان ناشی از آثار و عوارض محیط تکنولوژی و تمدن جدید صنعتی، محیط طبیعی، آسیب‌زایی شهرنشینی و زندگی روزمره شهری همراه با مصرف زمان، فضا و پول، زوال همبستگی‌های اجتماعی و افزایش انگیزه‌های فرد طلبانه و غیر اجتماعی، هویت زدایی اجتماعی و در مجموع تغییر در سبک زندگی دانست. امروزه، زندگی در محیط‌های شهری، انسان‌های جدیدی با سبک زندگی جدید و مدرن را پرورش می‌دهد. توسعه شهرهای مدرن، نه فقط بر عادت‌ها و شیوه‌های رفتار، بلکه بر ساختارها، الگوهای اندیشه، فلسفه زندگی و احساس ارزش نیز تأثیر شایانی بر جای گذاشته است. در عصر جدید که به‌واقع دوران پس از نظام‌های سنتی است، هر چه نفوذ و کشش سنت کمتر می‌شود و هر چه زندگی روزمره بیشتر بر حسب تأثیرات متقابل عوامل محلی و جهانی بازسازی می‌شود، افراد بیشتر ناچار می‌شوند که سبک زندگی خود را از میان گزینه‌های مختلف انتخاب کنند و مفهوم سبک زندگی معنای خاص به خود می‌گیرد. با دگرگونی در سبک زندگی، روابط اجتماعی، فضای کالبدی مسکن و محیط مسکونی نیز دستخوش تحولات جدی شده است. شکل و الگوی سکونت خانوارها و روابط افراد و خانوارها در مسکن تغییر یافته و سبک زندگی مسکونی جدیدی ایجاد شده

است. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش حاضر، سودآوری از مؤلفه‌های اقتصادی در سبک زندگی مسکونی دارای بیشترین مقدار آماره تی بوده که اهمیت آن را در اولویت‌بندی خانوارها در کلان‌شهر تبریز نشان می‌دهد. تغییرات صورت گرفته در سبک زندگی مسکونی در شهر تبریز با توجه به یافته‌ها بیشتر مبتنی بر افزایش تنوع‌طلبی و اصل سود و تبدیل آن به نفع می‌باشد که سبب کالایی شدن مسکن و استیلا یا سلطه بر طبیعت گردیده است. نتایج تحقیق و بررسی انجام گرفته در کلان‌شهر تبریز همچنین نشان داد که عامل اقتصادی تأثیر مستقیم در تغییر سبک زندگی مسکونی با حدود ۰/۸۳ داشته و در ایجاد سبک زندگی مسکونی جدید عوامل محیطی و رفاهی کمتر نقش داشته است؛ بنابراین می‌توان گفت که هر چه عامل اقتصادی در زمینه مسکن و انتخاب آن بیشتر مطرح شود میزان تغییر سبک زندگی مسکونی به سمت اقتصادمحوری نیز بالاتر است. سبک زندگی مسکونی بر پایه اقتصادمحوری در کلان‌شهر تبریز بستری برای دوری خانوارها از محیط طبیعی، تشکیل جوامع مبادله‌ای با محوریت فردگرایی، عدم توجه به مطلوبیت‌ها در مسکن، شکل‌گیری فضاهای مصنوع بدون توجه به نیازها و اولویت‌های ترجیحی خانوارها را ایجاد نموده است. در فردگرایی غلبه انسان بر منابع طبیعی برای تولید ثروت اساس کار است و این ساختار است که زمینه را برای شکل‌گیری تمایزات ساختی و تجاری شدن مسکن فراهم می‌کند؛ بنابراین، شناسایی عوامل مؤثر در سبک زندگی مسکونی و بررسی آن با توجه به ویژگی‌های جمعیت-شناختی، اولویت‌ها و انتظارات خانوارها در جهت تقویت سبک‌های اجتماعی و محیطی در زندگی مسکونی می‌تواند در ساخت و توسعه مساکنی با امکانات رفاهی، مطلوبیت بالا، جمع‌گرایی و کمتر شدن فرد محوری مؤثر باشد. با وارد کردن سبک زندگی در حیطه مسکونی می‌توان به بررسی این فرض که سبک زندگی در سکونتگاه‌ها در جهت کیفیت مسکن و رضایت از مسکن مهم می‌باشد دست یافت و با تهیه الگوی بومی و ملی سکونت همراه با در نظر گرفتن نیازها و خواست‌های مردم می‌توان سبک زندگی مسکونی را به سمت اجتماع محوری و محیط‌گرایی سوق داده تا از کالایی شدن مسکن کم نمود.

References:

1. Abarshi, A. and S.Y. Hosseini, (2012). *Modeling Structural Equations*, Sociology Publications, First Edition, Tehran. (in Persian)
2. Akhvandi, M (2012). *Investigating Social Factors Affecting Lifestyle (Case Study: Women 18-65 years old, Tehran)*, MSc Thesis, Supervisor: Dr. Khadijeh Safiri, Department: Women's Studies and Social Sciences, Faculty of Social Sciences and Economics. (in Persian)
3. Al-Homoud, M. (2009). *Privacy Control as a Function of Personal Space in Single-Family Homes in Jordan*, *Journal of Design and Built Environment*, 5(1), pp: 31-48. (In English)
4. Aragones, J. I. (2002). *The dwelling as place: behaviors and symbolism. Residential environments, Choice, satisfaction, and behavior*, 163-182. (In English)
5. Arbabi, A.M (2000). *From Production to Consumption, Marketing*, Farvardin Publications, Tehran. (in Persian)
6. Badsar, M. Fathi S. Rezaei, R. and H. Shabanali Femi, (2019). *The Role of the Media in the Rural Life Style Developments (Case Study: Zanjan County)*, *Journal of Regional Planning*, Volume 6, Number 24, Pages 166- 153. (in Persian)
7. Beamish, J. O., Carucci Goss, R., & Emmel, J. (2001). *Lifestyle influences on housing preferences*, *Housing and Society*, 28(1-2), 1-28. (In English)
8. Behafrouz, F (1991). *Investigations of Environmental Perception and Behavior in Contemporary Geographic and Human Geography Studies*, *Journal of Geographical Research*, Volume 6, Number 1 (20), pp. 70-31. (in Persian)
9. Bell, S., & Morse, S. (2012). *Sustainability indicators: measuring the immeasurable?*, Routledge. (In English)
10. Bentler, P. M., & Bonett, D. G. (1980). *Significance tests and goodness of fit in the analysis of covariance structures*, *Psychological bulletin*, 88(3), 588. (In English)
11. Dale, V. H., & Beyeler, S. C. (2001). *Challenges in the development and use of ecological indicators*, *Ecological indicators*, 1(1), 3-10. (In English)
12. Dutta-Bergman, M. J., & Wells, W. D. (2002). *The values and lifestyles of idiocentrics and allocentrics in an individualist culture: A descriptive approach*, *Journal of Consumer Psychology*, 12(3), 231-242. (In English)
13. *East Azarbaijan Planning and Budget Organization*, 2016. (in Persian)

14. Femi, A. B., & Khan, T. H. (2014). Bridging the gap between housing demand and housing supply in Nigerian urban centres: A review of government intervention so far, *British journal of arts and social sciences*, 18(2), 94-107. (In English)
15. Ge, J., & Hokao, K. (2006). Research on residential lifestyles in Japanese cities from the viewpoints of residential preference, residential choice and residential satisfaction, *Landscape and urban planning*, 78(3), 165-178. (In English)
16. Hamzeh, F (2009). From Behaviorism to Behavioral Geography, *Journal of Geography*, Volume 3, Number 8-9, pp. 97-71. (in Persian)
17. Hekmatnia, H. and M.N. Mousavi, (2013). *Model Application in Geography with Emphasis on Urban and Regional Planning*, Third Edition, Azadpima Press, Tehran. (in Persian)
18. Jansen, S. J., Coolen, H. C., & Goetgeluk, R. W. (Eds.). (2011). *The measurement and analysis of housing preference and choice*, Springer Science & Business Media. (In English)
19. Jayasree, K. (2011). Lifestyle—A Tool for Understanding Buyer Behavior, *International Journal of Economics and Management*, 5(1), 283-298. (In English)
20. Junaidi A.B. and Rosmadi, F. and S.G. Amer, (2012). Penilaian awal impak pelaksanaan Dasar Perumahan Negara terhadap sector perumahan di Kuala Lumpur. *Geografia-Malaysian Journal of Society and Space* 8 (6), pp: 90-108. (In English)
21. Kavianirad, M. and S. Abbaspor gomari, (2015). The Influence of Place and Time on the Environmental Perception of Contemporary Shiite and Sunni Movements in the Middle East, *Strategic Policy Research Quarterly*, Volume 12, Number 12 (42), pp. 138-116. (in Persian)
22. Lawrence, R. J. (1989). Constancy and change in household demography, dwelling designs and home life: The case of Geneva, *Housing Studies*, 4(1), 36-43. (In English)
23. Lee, H. J., Carucci Goss, R., & Beamish, J. O. (2007). Influence of lifestyle on housing preferences of multifamily housing residents, *Housing and Society*, 34(1), 11-30. (In English)
24. McDonald, R. P., & Ho, M. H. R. (2002). Principles and practice in reporting structural equation analyses, *Psychological methods*, 7(1), 64. (In English)
25. Mohammadi, F. Haghigatian, M. and A. Mohammadi, (1979). Factors Affecting the Social Interactions of Residents of Apartment-dwellers (Case Study: Shiraz City), *Quarterly Journal of Urban Research and Planning*, Volume 9, Number 35, pp. 56 -47. (in Persian)
26. Plummer, J. T. (1974). The Concept and Application of Life Style Segmentation: The Combination of two Useful Concepts Provides a Unique and Important View of the Market, *Journal of marketing*, 38(1), 33-37. (In English)
27. Shatarian, M. Ashnoui, A. and M. Ganjiipour, (2012). Measuring the Satisfaction of Aran and Bidgol Old Town People with Quality of Life Indicators, *Urban and Regional Studies and Research*, 4 (13), pp. 144- 127. (in Persian)
28. Solomon, M. R., & Panda, T. K. (2011). *Consumer behavior, buying, having, and being*. Pearson Education India, 10th Edition, Prentice Hall, PTR (In English)
29. Solomon, R. M., Bamossy, G., Askegaard, S., & Hogg, M. K. (2006). *Customer behavior, A European Perspective*, Prentice-Hall, Englewood cliffs, NJ. (In English)
30. Yaghoubi, M., Qureshi Minaabad, M.B., Molai Hashjin, N (2016). Investigating the Role of Tourism in Changing Housing Patterns in Rural Areas (Case Study: Razvanshahr City), *Journal of Regional Planning*, Volume 6, Issue 24 , Pp. 188-179. (in Persian)



Research Paper

Analysis of effective factors in changing residential lifestyle in the area of behavioral and structural geography in Tabriz metropolitan

Shahrivar Rostaie: Associate Professor of Geography & Urban Planning, Tabriz University, Tabriz, Iran.

Mina Farokhi Someh:¹ Phd Candidate of Geography & Urban Planning, Tabriz University, Tabriz, Iran.

Rasol Ghorbani: Professor of Geography & Urban Planning, Tabriz University, Tabriz, Iran.

Received: 2019/5/20

pp: 107- 108

Accepted: 2019/7/29

Abstract

The residential lifestyle has changed from traditional to modern, and people experience to new residential styles. Today, urban housing is subject to the greatest changes in life. A change that makes it possible for socialization, choice, bio-environmental sustainability and adaptation to intrinsic qualities. The change in residential lifestyle in the Tabriz Metropolitan area has led to a change in the urban pattern, causing different issues from the past to be different, and housing becomes a commodity to distinguish between classifications among families and patterns that are quite profitable and beneficial. The present study explores to identify and analyze the factors affecting the changing of residential lifestyle in a Tabriz metropolitan area with a structural and behavioral geographic approach. The type of applied research is a descriptive-analytic research method. In the method of data collection, library and field studies have been used with the questionnaire tool. The number of questionnaires or sample size was 384 households. In the present study, factor analysis and SPSS 22 software were used to determine the variables of residential lifestyle. Similarly, the validity of the questionnaire was examined based on formal validity and its reliability with Cronbach's alpha coefficients was 0.89. The analysis of this research, which was based on SEM, was considered using LISREL software. The results of the research showed that the economic factor of about 0.83 had the most effect on residents as the active factor of decision-making for residential style and its change. Also, in evaluating the goodness of fit, the model of welfare, environmental, economic and social factors have a positive and significant relationship with changes in residential lifestyle. Finally, the formation of a consumer society, the main advantage of profit and the creation of an exchange society, along with synthetic natural spaces, is the most important effect of changing the residential lifestyle.

Key words: Residential Lifestyle, Behavioral Geography, Structural Geography, Structural Equations, Tabriz Metropolitan.

Extended Abstract

Introduction:

The residential lifestyle of households has been transformed from the traditional to the modern, with people experiencing new housing styles. Today, urban housing has been subject to the greatest

¹. Corresponding author: Email: min.farokhi@yahoo.com, Tel: +989144006782

lifestyle changes. Changes that do not provide the opportunity for socialization, choice, bio-environmental sustainability and adaptation to physical characteristics. The change in the residential lifestyle in the Tabriz metropolitan structure has led to a change in the pattern of urban living and has created housing different from the past, and housing has become a commodity to reflect the class distinction between households and a completely self-centered and profitable model. The present study seeks to identify and analyze the factors affecting the change of residential lifestyle in Tabriz metropolitan area through behavioral and structural geography approach.

Methodology:

The present research is applied in terms purpose and is descriptive - analytic in terms method. Statistical Society of this study is households residing in Tabriz metropolis in 2018. Data pertinent on theoretical foundations of research is prepared to method of libraries and documentary and raw data of the research is extracted from a questionnaire with a sample size of 384 households. In this study, factor analysis and SPSS 22 software were used to determine the components of residential lifestyle. The validity of the questionnaire was 0.89 based on its face validity and its reliability with Cronbach's alpha coefficient. The analysis in this study was based on Structural Equation Modeling using LISREL software. The results showed that the economic factor with about 0.83 had the most impact on the residents as the active decision-making factor for the residential lifestyle and its change. Also, there is a positive and significant relationship between goodness of fit, environmental, economic and social factors with changes in residential lifestyle. Ultimately, the formation of the consumer community, the preference for profit, and the creation of an exchange society with the natural spaces of the artifact are the major effects of changing the way of living.

Results:

The results indicate that the economic factor with about 0.83 has the most impact on the residents as the active decision-maker for the residential lifestyle and its change. Also, there is a positive and significant relationship between goodness of fit, environmental, economic and social factors with changes in residential lifestyle. Finally, the formation of the consumer community, the preference for profit, and the creation of an exchange society with natural spaces of artifacts are the major effects of changing the way of living.

Conclusion:

herefore, it can be said that the more economic factors in the choice of housing and the choice of housing, the higher the rate of change in residential lifestyle towards economics. Economically based residential lifestyle in Tabriz metropolis has created a way for households to move away from the natural environment, forming individualistic exchange societies, neglecting housing preferences, forming artificial spaces without regard to household needs and preferences. . In individualism, human dominance over natural resources for wealth production is the basis of work, and it is this structure that provides the basis for the formation of housing differentiation and commercialization of housing; Demographic, household priorities and expectations to reinforce social and environmental styles in residential life can be effective in the construction and development of housing with amenities, high utility, collectivism, and reduced individual focus.